

सुचना : नीचे आपका PART - I का आठ (08) प्रश्नोंमांथी कीर्ण पण वण (03) प्रश्नोंना उत्तर आपो.

## PART - I

- प्रश्न 1 भिर्जा जकर करजडागीनुं ज्वनपरियय आपी तेमनी साहित्यिक सेवाओ पर प्रकाश नांभो. (14)
- प्रश्न 2 कारसी नाटकनो आरंभ अने विकास सविस्तार वर्णवो. (14)
- प्रश्न 3 अर्वाचीन कारसीगध पर विस्तृत नोध लभो. (14)
- प्रश्न 4 "वुकलासे मुराश" नाटकमां प्रदर्शित थती धराननी संस्कृति अने रीतिरिवाजो पर विगते नोध लभो. (14)
- प्रश्न 5 नाटक "वुकलासे मुराश" नी कथावस्तु पर विस्तृत माहिती आपो. (14)
- प्रश्न 6 "वुकलासे मुराश" नाटकना मुष्य नायक "अजीजबेग"ना पात्र पर प्रकाश नांभो. (14)
- प्रश्न 7 "वुकलासे मुराश" नाटकनी मुष्य नायिका "सकीनामानम"ना पात्र पर प्रकाश नांभो. (14)
- प्रश्न 8 अनुवाद करी. (14)

(1) سکینه خانم: گل صباح! گل صباح!! هوئی!! گل صباح (داخل شده) بلے خانم چه می فرمائید؟ سکینه خانم: گل صباح هیچ خبر داری که این بے حیا زن برادرم بسر من چه میاورد. گل صباح: خیر. خانم من از کجا خبر دارم؟ سکینه خانم: نزد حاکم شرع پیغام کرده است. پول هائی که از برادرم در پیش او امانت است بمن ندهد. با من ادعا دارد. که باید پولها باد برسد. ترا بخدا گل صباح ما همچو کاری هم در دنیا شدنی است من نمی دانم در پیش خدا چه گناهی کرده ام. همیشه اسباب فراهم می آید برای آنکه بخت من بسته شود. گل صباح: خانم برای چه همچو خیال ها را می کنی؟ بخت تو چرا بسته می شود. سکینه خانم: گل صباح! تو خودت که خبر داری من برای عزیز بیگ بی اختیارم. بیچاره در مدت دو سال درست پیش مرحوم برادرم قربان صدقه می رفت که مرا ببرد. برادرم راضی نه شد. که پسر اهل ظلمه است. نوکر باب است حالا که برادرم مرده اختیارم دست خودم افتاده می خواستم پول ها را بگیرم آسوده تدارکم را بینم. کام دل حاصل کنم. این بی حیا زن برادرم از این جا مدعی در آمد. رسید بر دارم؟ سکینه خانم: نزد حاکم شرع آدم فرستاد پیغام کرده است. پول های که از برادرم در پیش او امانت است بمن پول ها را بتاخیر انداخته است.

(2) سکینه خانم: دلت چه می خواهد؟ چه نذر می خولمی بکنم. از برات؟ گل صباح: نذر کن انشاء الله کارها می تان که صورت گرفت پول ترا تمام و ترا تمام و کمال گرفتی خرج عروسی مرا هم بکنشی. شوهرم بدهی. دیگر دل من چه می خواهد. سکینه خانم بسیار خوب! دعا کن نزاع مان زودتر تمام بشود ترا هم شوهرم می دهم. حالا پا شو برد.

عزیز بیگ را صداش کنی ببااید اینجا. ببینم او چه می گوید حاکم شرع آدم فرستاده پیغام کرده بود که وکیل بگیرم. بفرستم مرافعه کند. حالا که من در این ولایت غیر از بیگ کسی را ندارم بجز یک نفر عمه. آن هم زن است از دستش چه بر می آید. گل صیاح (بیرون رفته زود بر می گردد) خانم! این است عزیز بیگ خدش می آید. (زود سکینه کانم پنجره را پائین می کند و عزیز بیگ داخل اوطاق می شود) عزیز بیگ: (تند) سکینه خانم! آخر کار مرا با این جاها رساندی!

## PART - II

प्रश्न 9 नीचे आपेल प्रश्नीना उत्तर आपो. (गमे ते थार)

(08)

- 1 शरसीमां नाटकने शुं कहेवाय छ ?
- 2 नाटकनां कटला प्रकार छ ? क्या - क्या ?
- 3 वुकलाओ मुराकानी अर्थ लओ.
- 4 मिर्जा जकरनुं जन्म क्यां अने क्यारे थयु ?
- 5 मिर्जा जकरे सौप्रथम क्या नाटकनुं शरसीमाषामां अनुवाद कर्यु ?
- 6 मिर्जा जकरे क्या हेतुथी नाटकीनुं शरसीमां अनुवाद कर्यु ?
- 7 वुकलाओ मुराकआ नाटकमां संपत्तिना दावेदार पात्रीनां नाम आपो.
- 8 मिर्जाजकर शा भाटे इमेश प्रयत्नशील रहया ?

.....